# جنبه‌های عوام‌گرای سیاست کیفری ایران در قبال فساد اقتصادی

سید حسین حسینی* لیدا اسمعیل‌زاده**

***مقدمه:*** *تدابیر و سازوکارهای به‌کار گرفته شده در کشور ما پیرامون مبارزه با فساد اقتصادی نشانگر آن است که عوام‌گرایی کیفری در مبارزه با این پدیده، تهدیدی غیرقابل‌انکار است. حساسیت جایگاه نظام اقتصادی و تأثیر فساد اقتصادی بر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی در کنار پیامدهای نامطلوب عوام‌گرایی کیفری، بررسی این رویکرد در حوزهٔ فساد اقتصادی را ضروری ساخته است.*

***روش:*** *روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است و در گردآوری داده‌های آن، قوانین و مقررات و سخنرانی‌ها و مذاکرات سیاست‌گذاران تقنینی و قضایی تحلیل شده‌اند تا از این طریق میزان تأثیرپذیری از عوام‌گرایی در سیاست کیفری ایران پیرامون فساد اقتصادی تبیین شود.*

***یافته‌ها:*** *پی‌گیری سیاست‌های کیفری عوام‌گرا در مبارزه با فساد اقتصادی سبب شده در بسیاری موارد امنیت‌گرایی بر ملاحظات اقتصادی پیشی گرفته و جرم‌انگاری و کیفرگذاری در سیاست کیفری ماهوی با اصول بنیادینی همچون اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها هم‌خوانی نداشته باشد. تشکیل یا پیش‌بینی سازمان‌ها و ساختارهای جدید مبارزه با فساد اقتصادی پس از وقوع رویدادهای مجرمانه، بدون تبیین دقیق وظایف، در بسیاری موارد واکنشی شتاب‌زده به فساد اقتصادی بوده و حتی کارآیی لازم را نخواهد داشت. عدم پیش‌بینی مرجع تخصصی رسیدگی، علی‌رغم دغدغه مبارزه سریع با فساد اقتصادی و در نقطه مقابل پیش‌بینی راهکارهایی جهت رسیدگی سریع و خارج از نوبت، در کنار سیاست تشهیر مجرمان، از مصادیق عوام‌گرایی مبارزه با جرایم اقتصادی در سیاست کیفری ایران است. بی‌تردید موازین دادرسی عادلانه در چنین شرایطی، از تهدید مصون نخواهند بود.*

***بحث:*** *ارتباط تنگاتنگ شیوع فساد اقتصادی و کاهش مقبولیت عمومی اگرچه امری انکارناپذیر است، اما این امر به معنای کارآمدبودن تدابیر عامه‌پسند و زودبازده در کنترل مفاسد اقتصادی نیست. با توجه به این‌که بزه‌دیده نهایی مفاسد اقتصادی شهروندان هستند، ارائه برآوردهای نظام عدالت کیفری به مردم، تمایل آن‌ها به واکنش‌های سخت‌گیرانه مقطعی را کاهش خواهد داد. بهره‌گیری از نظریات کارشناسان در سیاست‌گذاری و اولویت‌بخشی به شیوه‌های پیش‌گیرانه و علمی در مبارزه با فساد اقتصادی ضمن این‌که مستلزم هماهنگی و اهتمام سیاست‌گذاران تقنینی، قضایی و اجرایی است، مانعی مهم بر سر راه عوام‌گرایی کیفری می‌باشد.*

***کلید واژه‌ها: افکار عمومی، سیاست کیفری، فساد اقتصادی، عوام‌گرایی کیفری***

***تاریخ دریافت:۹۲/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش:۹۳/۷/۱۹***

* دکتر حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد <shosseini@ferdowsi.um.ac.ir> (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

**مقدمه**

واژهٔ پوپولیسم[1] برگرفته از واژهٔ populus یا popularis(خلق یا مردم) به معنای "عوام‌گرایی یا مردم‌گرایی" است (نوروزی‌خیابانی، ۱۳۸۷: ۲۱۳). این اصطلاح در ابتدا برای حرکت‌ها و جنبش‌های سیاسی مدافع حقوق گروه‌های فرودست در آمریکا و روسیه به‌کار می‌رفت و به هیچ وجه بار منفی نداشت. با این حال در ادامه، رویه‌ای که رهبران این جنبش‌ها در جهت تحقق اهداف خود و یا پس از تحقق آن‌ها به کار بردند، نشانگر آن بود که طرفداران حرکت‌های عوام‌گرا هر زمان‌که به نفعشان باشد به احساسات مردم‌گرایانه متوسل شده و پس از نیل به اهداف خود از طریق به‌کارگیری تمامی روش‌های ممکن، به مطالبات مردم بی‌اعتنا خواهند بود (مک‌لین، ۱۳۸۷). چنین رویه‌ای سبب شد، عوام‌گرایی به تدریج مفهوم مثبت خود را از دست داده و جلب پشتیبانی مردم با توسل به وعده‌های کلی و مبهم از ویژگی‌های اصلی آن محسوب شود (تاگارت، ۱۳۸۱).

عوام‌گرایی کیفری[2] هنگامی ظهور می‌کند که سیستم عدالت کیفری[3] برای پاسخ‌گویی به نگرانی‌های عمومی راجع به افزایش نرخ جرایم، به جای استفاده از راه‌حل‌های منطقی و علمی که مورد تأیید کارشناسان و نخبگان است، به راه‌حل‌های سریع و ساده که هیچ توجیه علمی ندارند متوسل شود. چنین رویکردی سبب می‌شود مبنای علمی، اثربخشی و عادلانه بودن سیاست‌ها نادیده گرفته شده و مدیران بخش‌های مختلف دستگاه عدالت کیفری به جای یک واکنش مناسب و سازمان‌یافته در رویارویی با پدیده‌های مجرمانه، تحت فشار افکار عمومی[4] و رسانه‌های گروهی[5] عموماً به نشان دادن شدت عمل بیش‌تری از خود مجبور شوند تا به سهل‌انگاری در مبارزه با جرم متهم نشوند.

1. Populism
2. penal populism
3. criminal justice system
4.public opinions
5. mass media



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

در سال‌های اخیر، مبارزه با فساد اقتصادی با توجه به شرایط اقتصادی و به ویژه فضای سیاسی حاکم بر کشور از مباحث مهم و حتی مطالبات اساسی مردم تلقی شده و رؤسای سه قوه و مسئولان عالی را متوجه خود نموده است.

در این شرایط چه‌بسا هدف پاسخ‌گویی به افکار عمومی، شیوه‌های مهار فساد اقتصادی را تحت‌الشعاع قرار داده و بستر مناسبی برای اتخاذ سیاست‌های عوام‌گرا و مقطعی فراهم نماید.

فساد اقتصادی اگرچه اصطلاحی رایج در ادبیات دولت‌مردان است، اما تعریف خاصی از آن در ادبیات سیاست جنایی ایران به چشم نمی‌خورد و به راستی شاید تمیز قائل شدن میان مفهوم مزبور و جرایم اقتصادی دشوار باشد. به ویژه آن‌که از تعبیر جرم اقتصادی نیز تاکنون در قوانین کیفری تعریف مشخصی ارائه نشده است.

تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، از دیدگاه حقوقدانان، جرایم اقتصادی موارد اخلال خرد و کلان در نظام اقتصادی و فعالیت‌های اقتصادی را در برگرفته که موضوع آن لزوماً اموال دولتی یا بیت‌المال دانسته نمی‌شد.

در نقطه مقابل، موارد کلان فساد مالی و اداری که سبب تعرض عمده به بیت‌المال و اموال عمومی و دولتی می‌شوند، مفهوم فساد اقتصادی را به ذهن متبادر می‌نمود (دادخدایی، ۱۳۹۰؛ مهدوی‌پور، ۱۳۹۰).

معیارهای فوق اگرچه جهت تفکیک فساد اقتصادی از جرم اقتصادی تا حدودی راهگشا به مقصود بود، اما تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی۱۳۹۲، اعتبار چنین استدلالی را بیش از پیش تقویت می‌نماید. این تبصره علی‌رغم عدم به‌کارگیری تعبیر جرایم اقتصادی توسط قانون‌گذار، در مقام بیان مصادیق جرایم مزبور بوده و بند "ج" ماده ۴۷ و



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

ماده ۱۰۹ قانون فوق[1] نیز گویای صحت این ادعاست. مقرر نمودن حد نصاب یک میلیارد ریال و بیش از آن در تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا و ماده ۱۰۹ برای انتشار احکام محکومیت قطعی و عدم شمول مرور زمان در جرایم اقتصادی و همچنین مبلغ بیش از صد میلیون ریال برای ممنوعیت تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، نشانگر پذیرش نظریه غالب مبنی بر امکان تحقق جرایم اقتصادی در سطح خرد و کلان و اما قائل شدن به تدابیر سخت‌گیرانه‌تری در جرایم با حد نصاب‌های مذکور است. هرچند ذکر جرایم رشاء، ارتشاء، اختلاس و اعمال نفوذ برخلاف حق، در زمره جرایم اقتصادی ابهام‌برانگیز است. درواقع ویژگی بارز جرم اقتصادی، ارتکاب آن به مناسبت و یا حین ارتکاب یک فعالیت اقتصادی و مالی است که بزه‌دیده آن اقتصاد عمومی است. از این‌رو، به شمار آوردن مصادیق مزبور در گروه جرایم اقتصادی سبب اختلاط این دسته از جرایم با مصادیق فساد مالی–اداری و فساد اقتصادی خواهد شد. با این توضیح که بند الف ماده ۱ قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ ضمن ارائه مفهومی گسترده از فساد[2]، جرایم رشاء، ارتشاء و اختلاس را از جمله مصادیق فساد دانسته و حتی بر خلاف سابق در بند "د" ماده ۲ دامنه آن را به اشخاص حقوق خصوصی تسری داده است. از این‌رو به نظر می‌رسد علی‌رغم به‌کارگیری تعابیر مختلف در قوانین کیفری، در حقیقت سیاست‌گذاران

۱. به موجب صدر ماده ۴۷ ق.م.ا و بند "ج" آن صدور حکم و اجرای مجازات در جرایم اقتصادی با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون ریال قابل تعویق و تعلیق نیست. بند ب ماده ۱۰۹ قانون مزبور نیز جرایم اقتصادی موضوع تبصره ماده ۳۶ را با رعایت مبالغ مقرر در آن ماده از شمول مرور زمان تعقیب، صدور حکم و اجرای مجازات مستثنی نموده است.

۲. فساد دراین قانون عبارت است از: "هر گونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به صورت فردی ، جمعی یا سازمانی که عمداً و با هدف کسب هر گونه منفعت یا امتیاز مستقیم یاغیرمستقیم برای خود یا دیگری با نقض قوانین ومقررات کشوری انجام پذیرد یا ضرر وزیانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت وامنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید. نظیر رشاء، ارتشاء، اختلاس، تبانی، سوءاستفاده از مقام یا موقعیت اداری، سیاسی، امکانات یا اطلاعات، دریافت وپرداخت‌های غیرقانونی از منابع عمومی وانحراف ازاین منابع به سمت تخصیص‌های غیر قانونی، جعل، تخریب یا اختفاء اسناد و سوابق اداری ومالی".



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

تقنینی معیار ویژه‌ای برای تفکیک آن‌ها درنظر نگرفته و تعریف روشنی نیز از این واژگان وجود ندارد.

حساسیت جایگاه نظام اقتصادی و تأثیر فساد اقتصادی بر عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی ایجاب می‌کند شیوه‌های مبارزه با امور مخل نظم اقتصادی از اهمیت به‌سزایی برخوردار باشد. نفوذ عوام‌گرایی کیفری به حوزه مبارزه با فساد اقتصادی سبب می‌شود، سیاست‌زدگی اقدامات بر مؤثر و کارا بودن آن غلبه کرده و تأکید نمادین بر مبارزه با این پدیده جایگزین شیوه‌های سنجیده و علمی شود. با این حال، آن‌چه سبب عوام‌گرا تلقی شدن سیاست‌گذاری‌ها می‌شود نه صرف پاسخ‌گویی به آحاد جامعه بلکه استفاده از شعار مبارزه با فساد به منظور کسب جایگاه سیاسی و یا مشروعیت بخشیدن به اقدامات در افکار عمومی است.

پیامدهای قابل توجه اتخاذ سیاست‌های عامه‌پسند که وجه بارز آن‌ها انتخاب روزمرگی و دوری‌گزینی از واقعیات جرم‌شناسی و کیفرشناسی است، ایجاب می‌کند ابعاد مختلف عوام‌گرایی در سیاست کیفری پیرامون جرایم اقتصادی شناسایی و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد؛ به ویژه آن‌که کشف پرونده‌های فساد اقتصادی و رسانه‌ای شدن برخی از آن‌ها علی‌رغم سابقه واکنش‌های سرکوب‌گرانه عدالت کیفری در این زمینه، نشانگر عدم تأثیر مثبت شیوه‌های به‌کار گرفته شده و لزوم بررسی علل اتخاذ این رویکردهاست. این مقاله بر آن است تا با بررسی راه‌کارهای اتخاذ شده توسط سیاست گذاران در قبال فساد اقتصادی، میزان تأثیرپذیری آن‌ها از شیوه‌های عوام‌گرایانه در کنترل مفاسد اقتصادی را مورد بررسی قرار دهد.

**پیشینه تحقیق**

عوام‌گرایی برای نخستین بار در علوم سیاسی مطرح گردید. تاگارت (۱۳۸۵) با بررسی تاریخچه پیدایش و گسترش جنبش‌های عوام‌گرا در کشورهای مختلف، ویژگی‌های



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

مشترک حرکت‌های عوام‌گرا را تشریح نمود. با این حال، افزایش احساس ناامنی و نگرانی نسبت به افزایش آمار ارتکاب جرایم سبب توجه به خواست مردم و افکار عمومی در سیاست‌گذاری راجع به جرایم و تسری عوام‌گرایی به قلمرو حقوق کیفری گشته است.

نمادهای اولیه ظهور عوام‌گرایی کیفری، رویکردهای سخت‌گیرانه‌ای است که از دهه ۱۹۷۰ به بعد پدیدار شدند. در این دوران، سیاست‌گذاران با توجه به ناکارآمدی الگوهای اصلاحی-درمانی کیفر در برابر نرخ تکرار جرایم، سخت‌گیری کیفری را چاره کاهش احساس ناامنی و بی‌اعتمادی مردم دانستند (پیکا، ۱۳۹۳). اما ابتدا در سال ۱۹۹۵ «باتمز» برای نخستین‌بار اصطلاح سخت‌گیری عوام‌گرا[1] را به‌کار برد. به اعتقاد وی اکثر سیاست‌مداران با استناد به این‌که عموم مردم رویکرد سخت‌گیرانه دارند، گرایش به شدت عمل کیفری دارند. در صورتی‌که ممکن است نظر مردم این‌گونه نباشد و تنها از آن جهت که رویکردهای سخت‌گیرانه در راستای اهداف سیاست‌مداران است، آن‌ها وانمود کنند که چنین واکنش‌هایی خواست عموم مردم است (باتمز[2]، ۱۹۹۵). بعد از آن «رابرتز و همکارانش» از جمله اولین محققانی بودند که در سال ۲۰۰۳ ضمن بررسی ارتباط میان عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی در قبال جرم و مجازات، جلوه‌های این رویکرد در پنج کشور انگلستان، کانادا، ایالات متحده آمریکا، نیوزیلند و استرالیا را مورد بررسی قرار دادند. به اعتقاد آن‌ها جرایم نوجوانان، جرایم جنسی و جرایم موادمخدر به دلیل پوشش رسانه‌ای گسترده مستعد پذیرش عوام‌گرایی در سیاست کیفری می‌باشند (رابرتز، استالانز، ایندرمائور و هوگ[3]، ۲۰۰۳).

پرات نیز در در سال ۲۰۰۷ با تأکید ویژه بر نقش افکار عمومی متأثر از رسانه‌ها در

1. populist punitiveness
2. Bottoms
3. Roberts, Stalans, Indermaur and Hough



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

بروز عوام‌گرایی کیفری، به سایر عوامل مؤثر در اتخاذ این رویکرد همچون کاهش اعتماد مردم به سیاست‌مداران، جهانی شدن و مدیریت‌گرایی در نظام عدالت کیفری پرداخته است (پرات[1]، ۲۰۰۷).

علاوه بر این با توجه به گرایش سیاست‌گذاران به شیوه‌های زودبازده، برخی نویسندگان (کمپل[2]، ۲۰۰۸؛ هَمایی و الیس[3]، ۲۰۰۸) جلوه‌های عوام‌گرایی کیفری در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف از جمله ایرلند و ژاپن را مورد بررسی قرار داده‌اند.

در حقوق داخلی، پس از پرداختن به موضوع عوام‌گرایی کیفری در مقطع دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی و طرح موضوعاتی همچون بازتاب عوام‌گرایی کیفری بر رسانه‌های گروهی و نقش افکار عمومی در عدالت کیفری (نجفی‌ابرندآبادی، ۱۳۸۹)، در دیباچه ویراست سوم کتاب «درآمدی بر سیاست جنایی» به بررسی عوام‌گرایی کیفری از منظر مدل‌های مختلف سیاست‌جنایی پرداخته شده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۰). علاوه بر این در سال‌های اخیر به یاری برخی پژوهش‌های صورت‌گرفته، ادبیات سیاست‌جنایی ایران در این موضوع غنی‌تر گشته است. هژبرالساداتی (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای با نگاهی عمدتاً تطبیقی به بررسی عوام‌گرایی کیفری در سیاست کیفری پرداخته و مقدسی (۱۳۹۰) ضمن تبیین بیش‌تر این مفهوم و علل ظهور آن، جلوه‌های رویکرد را در سیاست کیفری ایران مورد مطالعه قرار داده است. همچنین طاهری در پژوهشی ضمن بررسی علل بروز سیاست کیفری سخت‌گیرانه، عوام‌گرایی کیفری را به عنوان یکی از گونه‌های رویکرد سخت‌گیرانه کیفری مورد مطالعه قرار داده است (طاهری، ۱۳۹۲). انتشار برگردان کتاب "عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی: درس‌هایی از پنج‌کشور" توسط باقری‌نژاد و دیگران

1. Pratt
2. Campbell
3. Hamai and Ellis



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

(۱۳۹۲) و نیز کتاب "عوام‌گرایی کیفری" ترجمه هژبرالساداتی (۱۳۹۲) از دیگر آثار در این زمینه است.

مروری بر پیشینه موضوع نشانگر آن است که نفوذ رویکردهای عوام‌گرا در حوزه کنترل مفاسد اقتصادی در سیاست کیفری تطبیقی مورد بررسی پژوهش‌گران این حوزه قرار نگرفته است. با این حال در ایران، افزایش سطح مداخلات دولت در اقتصاد سبب فراهم نمودن بستری مناسب برای ظهور مفاسد اقتصادی و در نتیجه بی‌اعتمادی مردم گشته است. در چنین شرایطی هراس از کاهش مقبولیت عمومی می‌تواند بر ظهور عوام‌گرایی کیفری تأثیر به‌سزایی داشته باشد. در این زمینه فرجیها و مقدسی (۱۳۹۲) در مطالعه‌ای ضمن بررسی علل نفوذ سیاست‌های کیفری عوام‌گرا به حوزه مفاسد اقتصادی، افشای نام مجرمان در رسانه‌ها، کاهش اختیارات دادگاه‌ها در زمینه تعیین کیفر مفسدان اقتصادی و تشکیل ساختارهای جدید برای مبارزه با مفاسد اقتصادی را به عنوان مصادیقی از سیاست‌های کیفری نمادین مورد مطالعه قرار داده‌اند. با این‌حال این مقاله درصدد آن است تا با نگاهی عمیق‌تر به سیاست کیفری ایران پیرامون فساد اقتصادی، جنبه‌های عوام‌گرایانه را در دو حوزه سیاست کیفری ماهوی و شکلی تحلیل نماید؛ به‌ویژه آن‌که رخداد رویدادهای جدید فساد اقتصادی و رسانه‌ای شدن آن‌ها و در نقطه مقابل واکنش متولیان عدالت کیفری در قالب ارائه طرح‌ها، تصویب قوانین جدید و اتخاذ رویکردهای سخت‌گیرانه توسط مقامات قضایی، این مطالعه را بیش از پیش ضروری می‌نماید.

**چارچوب نظری**

در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، هزینه‌های بسیار رویکرد اصلاح و درمان و بحران اقتصادی وخیم دولت‌های رفاه[1] سبب شد، ساختار دولت رفاه و اهداف اصلاحی-درمانی

1. welfare states



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

کیفر مورد تردید واقع شود (پیکا، ۱۳۹۳). با این حال انتشار نتایج برخی ارزیابی‌ها همچون نظریه کیفرشناسی روبرت مارتینسون[1] با نام "هیچ چیز مؤثر نیست"[2] اهمیت زیادی در انتقادات وارد بر رفاه‌گرایی و رویکردهای بازپروری مجرمان ایفا نمود و عامل اصلی بازنگری گسترده در سیاست‌های راجع به جرم گردید (کولن و جندریو[3]، ۲۰۰۱). مطابق این نظریه، برنامه‌های اصلاح و درمان مجرمان که بر عهده متخصصان کیفری گذاشته شده بود، هیچ تأثیری نداشته و حتی در برخی موارد نتایج معکوس به بار آورده است. بدین ترتیب بروز مشکلات اقتصادی و مالی دولت‌ها، مطالبات روزافزون مردم در زمینه تأمین امنیت و آسایش و ارائه جلوه‌ای حساسیت‌آفرین از جرایم در رسانه‌ها سبب بروز نظریه‌های جدید موسوم به جرم‌شناسی راست جدید شد. از این‌رو می‌توان مبنای نظری سیاست کیفری سخت‌گیرانه را در جرم‌شناسی موسوم به راست جدید جست و جو کرد (وایت و هینز، ۱۳۸۳).

هرچند جرم‌شناسی راست جدید با اعتقاد به لزوم درنظر گرفتن واقعیت‌های سیاسی برای مقابله با جرایم دارای جنبه‌ای توده‌گرایانه است اما جنبه‌های علمی و تلاش‌های جرم‌شناسان را نادیده نمی‌انگارد (طاهری، ۱۳۹۲). سیاست کیفری چنانچه برپایه نظریات جرم‌شناسی و یافته‌های علمی به‌گونه‌ای علمی و هدفمند از سخت‌گیری در قبال جرایم حمایت نماید، از سیاست کیفری که متأثر از شرایط سیاسی، اقتصادی و قرائتی ساده از افکار عمومی طرفدار شدت عمل کیفری است، متمایز می‌باشد. تحت تأثیر رویکرد اخیر که از آن با نام "عوام‌گرایی کیفری" یاد می‌شود، ضمن فاصله گرفتن از نظریات علمی، سیاست‌هایی همسو با مطالبات عامه مردم اتخاذ می‌شود تا از این طریق ضعف شدید مبنای نظری سیاست‌ها تا حدودی توجیه شود.

1. Robert Martinson
2. Nothing Works
3. Cullen and Gendreau



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

## روش

با توجه به ماهیت موضوع، نوع تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. از آن‌جا که مبنای اولیه موضوع عوام‌گرایی کیفری، حقوق کیفری تطبیقی است، در ابتدا با مراجعه به پایگاه‌های علمی همچون Sage و Oxford مهم‌ترین منابع مرتبط گردآوری شد. سپس جهت بررسی مصادیق رویکرد مزبور در مفاسد اقتصادی، محتوای قوانین، طرح‌ها و لوایح کیفری و همچنین مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی که در این تحقیق قابل استفاده بودند، تحلیل شدند. علاوه بر این، سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌های مسئولان و مدیران دستگاه عدالت کیفری نیز از طریق سایت‌های خبری جمع‌آوری شدند تا میزان تأثیرپذیری آن‌ها از رویکردهای سیاست‌زده و عوام‌گرا مورد بررسی قرار گیرد.

## یافته‌ها

رابطه عوام‌گرایی کیفری با سیاست کیفری پیرامون فساد اقتصادی بر اساس جرم‌انگاری‌های مبتنی بر وقایع پیش‌آمده را نمی‌توان منتفی دانست. در چنین شرایطی ضمانت‌اجراهای تعیین شده دارای تناسب با ماهیت جرایم نبوده و افراط و تفریط در تعیین میزان کیفر، سیاست کیفری تقنینی را با انتقادات جدی مواجه خواهد ساخت. به‌ویژه آن‌که در موارد متعددی غلبه رویکردهای سخت‌گیرانه غیرعلمی بر این حوزه منجر به امنیتی شدن و در حکم حدی دانستن بسیاری از جرایم تعزیری شده است. چنین نگاهی به پدیده مجرمانه سبب شده عموماً از راه‌کارهای کیفری استفاده و سازوکارهای غیرکیفری و پیش‌گیرانه تا حد زیادی مغفول بماند. حال آن‌که بررسی ابعاد جرم‌شناسی مفاسد اقتصادی در اتخاذ راه‌کارهای جدید به ویژه در زمینه پیش‌گیری و همچنین اتخاذ ضمانت‌اجراهای معقول به یاری سیاست‌گذاران خواهد آمد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

عوام‌گرایی در سیاست کیفری جرایم اقتصادی تنها به تعیین عناوین مجرمانه و مجازات‌ها محدود نشده بلکه تحقیقات مقدماتی و رسیدگی به این جرایم را نیز هدف قرار داده است. کوتاه کردن فرآیند رسیدگی، محدود کردن حقوق متهم و محکوم، صدور مجازات‌های شدید و رسیدگی در دادگاه‌های اختصاصی نتیجه اتخاذ رویکردهای عوام‌گرا در سیاست کیفری شکلی جرایم اقتصادی است. اگرچه یافته‌های تحقیق نشانگر آن است که سیاست کیفری شکلی به دلیل شمول مرحله رسیدگی کیفری و توجه ویژه رسانه‌های گروهی و افکار عمومی به آن، بیش‌تر در مظان رویکردهای عوام‌گرا قرار گرفته است.

## ۱- عوام‌گرایی در سیاست کیفری ماهوی

### ۱-۱- جرم‌انگاری مبتنی بر وقایع پیش آمده

در عوام‌گرایی کیفری سیاست‌گذاران با بی‌اعتنایی به یافته‌های علمی، برای آرام کردن احساسات عمومی و بازگرداندن نظم و امنیت به جامعه به ویژه پس از وقوع جرایم مهم، اقدام به قانون‌گذاری کیفری می‌نمایند. به همین جهت تأثیرپذیری از فضای احساسی حاکم بر اجتماع، تأکید بر خواست مردم و شرایط زندگی اجتماعی از ویژگی‌های سیاست‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری است (پفیفر، ویندزیو و کلیمان[1]، ۲۰۰۵). با این وجود توسل به جرم‌انگاری‌های افراطی و توسعه مداخلات حقوق کیفری علاوه بر آن‌که نشانه ضعف، سردرگمی و ناتوانی هیأت حاکم جهت اتخاذ تدابیر مناسب در برابر رویدادهای پیش آمده است، تورم قوانین کیفری را همراه خواهد داشت. قوانینی با این اوصاف که بر اساس مصلحت‌سنجی و بدون انجام کارشناسی‌های لازم در جهت فروکش کردن مقطعی حوادث پیش‌آمده به تصویب می‌رسند، برای درازمدت کارآیی لازم ندارند. در جرم‌انگاری‌های

1. Pfeiffer, Windzio and Kleimann



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

موضوع قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی، نشانه‌های شتاب‌زدگی سیاست‌گذاران جهت پاسخ‌گویی به ضروریات جامعه در حوزه اقتصاد مشاهده می شود.

در شرایط نابسامان اقتصادی پس از جنگ، قانون‌گذار با استناد به مطالبات مردم و انتظار آن‌ها برای چاره‌جویی معضلات اقتصادی از دولت‌مردان (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، جلسه ۲۵۷: ۱۷) درصدد آن بود که با توسل به راه‌کارهای کیفری، افکار عمومی پریشان جامعه را آرام سازد. وجود نکات مبهم در جرم‌انگاری‌های پیش‌بینی شده در این قانون همچون به کارگیری اصطلاحات «عمده و کلان» و ذکر مصادیق جرایم به صورت تمثیلی بیان‌گر آن است که کارشناسی دقیقی بر روی این قانون صورت نگرفته و صرفاً برای حل مشکلات مقطعی به تصویب رسیده است؛ به‌گونه‌ای که حتی به اذعان نمایندگان مجلس هدف از عدم تعیین معیار و مبنا برای جرم‌انگاری‌های صورت گرفته در این قانون آن است که با تعیین معیار کمی چه‌بسا نتیجه امر تحت شمول قرار گرفتن افراد اندکی باشد ( مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، جلسه ۲۵۸: ۶–۵). درواقع آن‌گونه که از گفتمان قانون‌گذار برمی‌آید، رهیافت امنیت‌گرا به عنوان وجه بارز رویکردهای سخت‌گیرانه غیرعلمی بر حوزه مبارزه با فساد اقتصادی حاکم است. به‌ویژه آن‌که عدم چاره‌جویی برای معضلات اقتصادی از جمله عواملی دانسته شده که آینده نظام را مورد تهدید قرار می‌دهد (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، جلسه ۲۵۷: ۱۷)

نمونه دیگر از اقدامات هیجانی و مقطعی را می‌توان در طرح مقابله با اخلال ارزی و اعتقاد نمایندگان مجلس مبنی بر لزوم وجود قوانین سخت‌گیرانه‌تر در این زمینه مشاهده کرد. در طی سال ۱۳۹۱، وضعیت نابسامان بازار ارز به گونه‌ای شد که در بازار تهران و برخی دیگر از مناطق پایتخت اعتراضاتی نسبت به وضعیت آشفته ارزی و تورم روزانه قیمت کالاها صورت گرفت. اختصاص یافتن تیتر اصلی بسیاری از مطبوعات و رسانه‌ها به



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

موضوع بحران ارزی در کشور و حساسیت مردم به‌ویژه تولیدکنندگان و فعالان عرصه اقتصاد سرانجام سبب شد تا علاوه بر دستگیری ده‌ها نفر در اقدامات پلیسی به اتهام اخلال در بازار ارز ("پایگاه خبری ایران اکونومیست"، ۱۸ بهمن ۱۳۹۱)، نمایندگان مجلس در تلاش برای مهار این بحران در ۱۷ بهمن ۱۳۹۱ به فوریت طرحی رأی دهند که مجازات‌هایی سخت‌گیرانه‌ای را برای اخلال در بازار ارز از طریق معاملات صوری ارز، سلف‌فروشی، انجام مبادلات ارزی خارج از شبکه قانونی و قاچاق تعیین می‌کند؛ مجازات‌هایی شامل جزای نقدی، حبس (تا ۲۵ سال) و در موارد خاص مجازات مفسد فی الأرض[1] (مواد ۴ و ۶ طرح).

علاوه بر این بر مطابق ماده ۳ طرح فوق‌الذکر «دارندگان ارز» موظف خواهند شد ظرف دو ماه از تصویب این قانون جهت دریافت گواهی مالکیت ارز خود به شعب ارزی بانک‌ها و صرافی‌ها مراجعه نمایند و پس از انقضای مهلت مذکور نگهداری و معامله ارز بدون فاکتور معتبر و کد رهگیری ممنوع است. مقرر نمودن شتاب‌زده چنین محدودیتی در اوضاع نابسامان بازار ارز گویی این فرصت را از سیاست‌گذاران سلب نموده تا حتی معیار کمی در خصوص ممنوعیت مذکور در این ماده تعیین نمایند.

در نقطه مقابل چنین رویکردی، عدم توجه افکار عمومی به جرم پول‌شویی که بر خلاف سایر جرایم فسادآمیز دارای طبیعت ثانویه می‌باشد، سبب شده است علی‌رغم الحاق دولت ایران به کنوانسیون جرایم سازمان‌یافته فراملی مصوب سال ۲۰۰۰ میلادی، جرم‌انگاری مستقل پول‌شویی نه تنها یک ضرورت تلقی نشود بلکه تصور ملاحظات سیاسی و بین‌المللی در تصویب قانون مذکور تقویت گردد. چنین نگرشی سبب شده بود تا حتی هشدار برخی نمایندگان مبنی بر بدبینی افکار عمومی به مجلس شورای اسلامی در

۱. طرح مقابله با اخلال ارزی و مجازات اخلالگران نهایتاً در مورخ ۹۲/۷/۲ در کمیسیون اقتصادی رد شد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

صورت عدم تصویب قانون مبارزه با پول‌شویی مؤثر واقع نشود (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲، جلسه ۳۴۶: ۲۷). سرانجام پس از قریب به ۵ سال از مطرح شدن لایحه و عدم توفیق در تصویب آن، تحریم تعدادی از بانک‌های ایران توسط برخی مجامع جهانی همچون گروه کاری خاص عملیات مالی(FATF) به استناد عدم وجود قانون مستقل مبارزه با پول‌شویی سبب شد باوجود مخالفت‌های داخلی، قانون مبارزه با پول‌شویی به تصویب برسد (بیابانی و عصار، ۱۳۸۸). واکنشی که علی‌رغم اهمیت جرم پول‌شویی و ضرورت اتخاذ تدابیر معقول و متناسب در مبارزه با آن، سرانجام با اعمال فشارهای جامعه بین‌المللی مورد توجه واقع شد.

تمایل سیاست‌گذاران تقنینی به شیوه‌های کیفری و نمادین در رویارویی با فساد اقتصادی با ملاحظه تأخیر صورت گرفته در فرآیند تصویب قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰، نمود بارزتری خواهد داشت. مطرح شدن لایحه مزبور در مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۸۷، ارسال آن به مجمع تشخیص مصلحت نظام در همان سال و متوقف شدن آن برای مدتی بیش از دو سال نشانگر آن است که برخلاف قوانینی با وصف کیفری، قانون‌گذار در وضع قواعد با ماهیت پیش‌گیرانه شتابی در پیش نمی‌گیرد. به‌گونه‌ای که علی‌رغم تکلیف دولت به وضع آیین‌نامه اجرایی این قانون ظرف مدت ۶ ماه، سرانجام پس از گذشت دو سال این مهم به انجام رسید.

**۱-۲- تعیین ضمانت‌اجراهای کیفری نامتناسب**

در عوام‌گرایی کیفری سیاست‌گذاران برای پاسخ‌گویی به رویدادهای پیش‌آمده از راه‌حل‌های ساده و مدیریت مقطعی مشکلات موجود در جامعه حمایت می‌کنند؛ از این‌رو سازوکارهای سخت‌گیرانه که نشانگر وحدت میان مردم عادی علیه مجرمان است، از



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

مهم‌ترین تدابیر این رویکرد در مقابله با جرایم است (روزنبرگر و کالانان[1]، ۲۰۱۱).

گرایش به سخت‌گیری کیفری پیرامون فساد اقتصادی در تبدیل ماهیت اقتصادی بزه ارتکابی به جرم سیاسی با مبنا قرار دادن قصد مرتکب مشهود است. با این توضیح که در هنگام تصویب قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی، ساماندهی اوضاع نابسامان کشور پس از جنگ و شرایط سخت معیشتی مردم سبب شد قانون‌گذار در پاسخ به موج معضلات اقتصادی ایجاد شده، پیش بینی نماید هر یک از اعمال مذکور در ماده ۱ قانون در صورت وجود "قصد ضربه زدن به نظام، قصد مقابله با آن و یا حتی علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام"، چنانچه در حد افساد فی‌الأرض باشد، دادگاه مجازات اعدام را در دادنامه خویش ذکر کند. با این حال علی‌رغم پایان دوران بازسازی پس از جنگ، این رویکرد در ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ همچنان به رسمیت شناخته شده است. به موجب بخشی از این ماده، اخلال در نظام اقتصادی چنانچه "به‌طور گسترده ارتکاب یافته و موجب اخلال عمده در نظم عمومی کشور، ناامنی یا ورود خسارت عمده به تمامیت جسمانی افراد یا اموال عمومی و خصوصی، یا سبب اشاعه فساد و فحشا در حد وسیع" گردد افساد فی‌الأرض محسوب و مرتکب به اعدام محکوم می‌شود. علاوه بر این به موجب تبصره ماده فوق‌الذکر "قصد اخلال گسترده در نظم عمومی، ایراد خسارت عمده، اشاعه فساد یا فحشا در حد وسیع و یا علم به مؤثر بودن اقدامات" برای تحقق عنوان مجرمانه افساد فی‌الأرض ضروری است.

در این ماده قانون‌گذار هرچند برای نخستین‌بار در قوانین کیفری قائل به تفکیک دو عنوان محاربه و افساد فی‌الأرض گشته اما عبارات ماده به‌گونه‌ای تنظیم شده که امکان تفسیرهای متعدد در این زمینه را فراهم می‌نماید. بدین‌ترتیب علی‌رغم آن‌که مطابق قاعده

1. Rosenberger and Callanan



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

«تدرأ الحدود بالشبهات» تفسیر موسع در باب حدود پذیرفته نخواهد بود، عدم پیش‌بینی معیاری برای تحقق عناوین مبهم "گسترده" و" عمده "موجب نقض اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها خواهد شد.

علاوه بر این جاری ساختن حکم واحد بر مباشرت و معاونت عنوان مجرمانه حدی افساد فی‌الأرض، علی‌رغم فقدان ضابطه و تعریفی مشخص برای تحقق جرم از دیگر ابهامات ماده است. از این‌رو به نظر می‌رسد با توجه به مجازات سنگین اعدام ضروری بود قانون‌گذار به‌جای وضع ماده‌ای با نگاه امنیت‌گرا که حقیقتاً بسیاری از مجرمان را می‌توان تحت شمول آن قرار داد، باید به‌گونه‌ای سنجیده درصدد رفع ابهامات موجود در قوانین خاص سابق بر وضع ماده برمی‌آمد. آرای صادره در زمینه اعدام مجرمان اقتصادی تحت عنوان افساد فی‌الأرض در دادگاه‌های کیفری انتقاد وارد بر قانون‌گذار را بیش‌تر جلوه‌گر می‌کند. چندان‌که عنوان ابهام برانگیز فوق سبب شد تا مطابق خبرهای منتشر شده در رسانه‌ها و مستنداً به تصویر رأی دادگاه، قاضی پرونده فساد سه هزار میلیارد تومانی علاوه بر ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور و ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری، به استفتائات صورت گرفته از مراجع عظام مبنی بر صدق عنوان افساد فی‌الأرض بر اقدامات متهمان استناد نماید (خبرگزاری ایسنا، ۲ مرداد ۱۳۹۳). از این‌رو انتظار می‌رفت با توجه به ابهام عنوان افسادفی‌الأرض و تشکیک دادگاه‌ها در مقام انطباق رفتار با عنوان مجرمانه مزبور قانون‌گذار درصدد تبیین دقیق ارکان و شرایط تحقق جرم برمی‌آمد.

پیش بینی مجازات اعدام و گسترش دامنه افساد فی الأرض در سیاست کیفری تقنینی نشانگر تمایل قانون‌گذار به محدود کردن اختیارات قضات در تعیین مجازات‌های اندک در حوزه فساد اقتصادی است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۹، جلسه ۲۵۷: ۳۱). رویکردی که اگرچه با توجیه خواست و مطالبات عمومی که در اراده نمایندگان مردم



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

در مجلس قانون‌گذاری تجلی یافته، اتخاذ شده اما از حیث غلبه عوام‌گرایی و روزمرگی بر راه‌کارهای معقول و سنجیده در سیاست کیفری ایران قابل تأمل است. مستند ساختن مشروعیت سیاست‌های سخت‌گیرانه به مطالبات عمومی در حالی است که به دلیل عدم ارائه اطلاعات تخصصی و علمی به مردم، آن‌ها درک درستی از بسترهای زمینه‌ساز جرایم اقتصادی ندارند. با این‌حال رواج فساد اقتصادی سبب می‌شود دولت (در مفهوم عام) از پاسخ‌گویی به مطالبات منطقی اقشار مختلف جامعه عاجز بوده و مقبولیت خود را نزد مردم از دست بدهد. در نتیجه وادار می‌شود با توسل به سیاست‌های کیفرگرا و سخت‌گیرانه درصدد آن باشد که میان جرایم مندرج در این قانون و امنیت نظام پیوند ایجاد نماید. پیامد چنین رویکردی، فاصله گرفتن سازوکارهای حقوق کیفری از کارکرد بازدارندگی در راستای مدیریت مقطعی جرایم و مفاسد اقتصادی است.

در رویکرد عوام‌گرایی کیفری به مفاسد اقتصادی قانون‌گذار با سخت‌گیری کیفری درصدد آن است تا از یک سو به مجرمان پیام نفی مدارا و تساهل را منتقل نموده و از سوی دیگر در افکار عمومی جامعه نیز حضوری پررنگ در عرصه مبارزه با فساد اقتصادی از خود به جای گذارد. از این‌رو در پاره‌ای موارد، مقامات قضایی از اعمال تخفیف و تعلیق مجازات نسبت به مرتکبان این جرایم منع شده‌اند. تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران نمونه بارز این ممنوعیت است. همچنان‌که در بند ج ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، شروع به جرایم اقتصادی، صدور حکم و اجرای مجازات در صورتی که موضوع جرم بیش از ۱۰۰ میلیون ریال باشد غیرقابل تعلیق و تعویق دانسته شده است.

گفتنی است در عوام‌گرایی کیفری هنگامی که مصلحت روز سیاست‌گذاران اقتضا می‌کند، با کنار گذاردن اصول و موازین حقوقی، سیاست‌های کیفری ملایم و تسامحی به



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

کار گرفته شده (جونز[1]، ۲۰۱۰) و مفهوم مبارزه واقعی با فساد کمرنگ می‌شود. سیاست‌های اتخاذ شده در قانون مبارزه با پول‌شویی نمونه بارز عدم تأثیرپذیری از اصول مسلم حقوقی و انعطاف کیفری بدون توجیه منطقی است. با این توضیح که در ایران جرم‌انگاری پول‌شویی با مقاومت روبرو بوده و سرانجام نیز کیفر اندکی در مقایسه با مجازات‌های مقرر در جرایمی همچون سرقت، کلاهبرداری و.... برای جرم مزبور پیش‌بینی شده است؛ چنین رویه‌ای تأثیرپذیری قانون‌گذار از افکار عمومی در سیاست‌گذاری را آشکار می‌سازد. بدیهی است مردم جامعه در مورد جرم مزبور آگاهی اندکی داشته و از آثار و پیامدهای آن بی‌اطلاع هستند. از این‌رو سیاست‌گذار تقنینی غافل از آن‌که در درازمدت فضای ناسالم اقتصادی حاصل شده از پول‌شویی موجب تغییر نگرش مردم از نظام سیاسی می‌شود، تحت تأثیر فشارهای بین‌المللی قانونی را به تصویب رسانیده که بیش از هرچیز موجبات بدبینی و سلب اعتماد از نظام تقنینی را فراهم می‌کند (رهبر و میرزاوند، ۱۳۸۷). در این قانون که تنها از جهت عنوان شبیه قانون مبارزه با پول‌شویی است، علی‌رغم این واقعیت که ماهیت مجازات باید تا حد امکان به بزه نزدیک باشد، جزای نقدی به میزان یک چهارم مال تحصیل شده برای جرم پول‌شویی در نظر گرفته شده که آشکارا در تعارض با اصل تناسب جرم و مجازات است. به ویژه آن‌که در سطح بین‌المللی تدوین‌کنندگان کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی اعتقاد داشتند، دول متعاهد قطعاً مجازات حبس برای این جرم تعیین خواهند نمود (دفتر بررسی‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۲).

1. Jones



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

## ۲- عوام‌گرایی در سیاست کیفری شکلی

### ۲-۱- بازتاب عوام‌گرایی در تحقیقات مقدماتی

اهمیت و حساسیت موضوع فساد اقتصادی در کشور ما سبب شده در راستای پاسخ‌گویی به افکار عمومی علاوه بر ایجاد ساختارهای پلیسی و سازمانی هنگام وقوع رویدادهای مجرمانه و شرایط خاص حاکم بر جامعه، مداخله نهادهای مختلف در فرآیند کشف فساد اقتصادی به رسمیت شناخته شود.

#### ۲-۱-۱- تشکیل پلیس اقتصادی

در ایران هم‌اکنون نیروی انتظامی به موجب بند ۱ ماده ۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ و بند ۸ ماده ۴ قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹، ضابط عام دادگستری بوده و وظیفه کشف جرایم را بر عهده دارد. با این حال به نظر می‌رسد موقعیت و منصب مرتکبان فساد اقتصادی از یک سو و ضرورت تخصص‌گرایی در تحقیقات از سوی دیگر ایجاب می‌کند تا نیروی انتظامی به این مهم توجه نماید. در غیر اینصورت اسناد و مدارکی که در مراحل اولیه کشف جرایم وجود دارند نامکشوف باقی مانده و یا به آن‌ها توجهی نمی‌شود.

با توجه به خصوصیت‌های فوق نیروی انتظامی اقدام به تشکیل پلیس مبارزه با جرایم اقتصادی در ادارات آگاهی شهرستان‌ها نموده است. بدیهی است اگر نیروی مزبور فاقد کارشناس امور اقتصادی بوده و به نیروهای آن نیز آموزش‌های تخصصی در امور اقتصادی داده نشود، نیروی انتظامی موفقیت چندانی درکشف، تحقیقات و مبارزه با جرایم و مفاسد اقتصادی نخواهد داشت. شاید از این جهت باشد که در عمل ادارات مبارزه با جرایم اقتصادی، بیش‌تر به مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌پردازند (خدائیان چگنی، ۱۳۹۱). چنین امری سبب شد تا



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

زمزمه‌هایی پیرامون تشکیل پلیس تخصصی اقتصادی از مسئولان شنیده شده اما در نهایت وقعی به آن نهاده نشود. سرانجام پس از بازتاب رسانه‌ای بسیار در پی پرونده موسوم به فساد سه هزار میلیارد تومانی، بحث تشکیل پلیس اقتصادی قوت گرفت. به گونه‌ای که حتی مقامات عالی انتظامی به صراحت اذعان داشتند، چندین سال است پیشنهاد تشکیل نیروی مزبور مطرح شده اما بی‌توجهی نسبت به آن سبب شده تا در پی بحران پیش آمده به این ضرورت توجه شود (امین جامعه، ۱۳۹۱).

تشکیل پلیس اقتصادی سرانجام در طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی که در مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲ به مجلس تقدیم شد مورد پیش‌بینی قرار گرفت. بدین توضیح که مطابق ماده ۶ طرح فوق، رئیس سازمان موظف است با همکاری مراجع اطلاعاتی و انتظامی از طریق گزینش تعدادی از بهترین نیروهای ذیربط که دارای حسن سابقه و انضباط مالی و کاری باشند، نسبت به تشکیل ضابطان خاص جرایم اقتصادی، تحت عنوان نیروی واکنش سریع جرایم اقتصادی، اقدام نمایند.

هرچند با توجه به فقدان ضابطان تخصصی در ساختار کنونی، تشکیل پلیس اقتصادی می‌تواند در حفظ آثار و دلایل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن متهم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او و انجام سایر وظایف ضابطان مؤثر واقع شود اما این نکته را نباید فراموش کرد که در ساختار فعلی نیروی انتظامی، فعالیت مأموران ادارات مبارزه با جرایم اقتصادی بیش‌تر بر مبنای تجربه شخصی صورت گرفته و آموزش‌های تخصصی در ارتباط با جرایم و مسائل اقتصادی به آن‌ها داده نشده است. از این‌رو انتظار می‌رفت در طرح سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی، این مهم مورد توجه ویژه‌ای قرار گیرد. در این مورد هرچند بخشی از ماده ۴۳ طرح به ایجاد رشته حقوق کیفری اقتصادی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه علوم انتظامی و به‌کارگیری فارغ‌التحصیلان این رشته در نیروی انتظامی اشاره نموده است، اما الزامی برای به‌کارگیری آن‌ها در ماده ۶ طرح ذکر نشده و صرفاً به معیارهایی همچون انضباط مالی و



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

کاری و حسن سابقه اکتفا شده است. با این‌حال، اشاره به معیارهای فوق برای گزینش ضابطان تخصصی، کافی نبوده و لازم است تدابیر و معیارهایی دقیق‌تر که مطابقت بیش‌تری با رویکردهای سنجیده و علمی دارند اندیشیده شوند. بدیهی است در صورتی‌که ساختار مزبور بر اساس آموزه‌های علمی تشکیل نشود و یا تشکیل آن منتفی گردد امکان طرح عوام‌گرایی منتفی نخواهد بود.

آن‌چه سبب تقویت این نظر می‌شود نحوه ارائه پیشنهاد مزبور به مجلس شورای اسلامی می‌باشد. طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی که متضمن پیشنهاداتی از جمله تشکیل پلیس اقتصادی می‌باشد، در دوم اسفند ۱۳۹۱ توسط نمایندگان و با قید یک فوریت تقدیم مجلس شد. هرچند در نهایت فوریت این طرح تصویب نشد (خبرگزاری ایسنا، ۲ اسفند ۱۳۹۱) اما درخواست بررسی به صورت یک فوریت که حکایت از تعجیل نمایندگان در رسیدگی هرچه سریع‌تر به طرح مزبور دارد، علی‌رغم نیاز به بررسی کارشناسانه و دقیق آن، محل تأمل است. به ویژه آن‌که ارائه پیشنهاد به صورت طرح، شائبه وجود رویکردهای عوام‌گرا در این زمینه را تشدید می‌کند. با این توضیح که طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی که با توجه به مندرجات آن بیش‌تر جنبه قضایی و پلیسی دارد، از جمله مواردی است که به نظر می‌رسد باید ابتدا از طریق قوه قضاییه و به صورت لایحه قضایی به دولت ارجاع می‌شد و سپس توسط این قوه به مجلس تقدیم می‌گردید تا از این طریق اقدامات کارشناسی بیش‌تری بر آن صورت می‌گرفت. با این وجود از آن‌جا که پیمودن این مسیر جهت مطرح شدن در مجلس به‌طول خواهد انجامید، علی‌الظاهر سیاست‌گذاران تقنینی در راستای واکنش هرچه سریع‌تر به پدیده فساد اقتصادی و به‌ویژه پاسخ‌گویی به افکارعمومی، مصلحت را در آن دیده‌اند که چنین پیشنهادی را از طریق طرح یک فوریتی مطرح نمایند.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

**۲-۱-۲- تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی**

پیرو تأکیدات رهبر انقلاب در خطبه‌های نماز جمعه ۲۶ فروردین ۱۳۷۹ مبنی بر ضرورت اصلاحات اداری، امنیتی و قضایی در کشور و لزوم مبارزه با فساد (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای، ۲۶ فروردین ۱۳۷۹) و متعاقباً صدور فرمان هشت ماده‌ای معظم‌له در اردیبهشت ۱۳۸۰ خطاب به سران قوا در خصوص مبارزه قاطع با مفاسد اقتصادی، رئیس جمهور وقت در سال ۱۳۸۰ دستور تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی را صادر نمود.

هر چند آیین‌نامه‌ای در شرح وظایف ستاد تدوین نگشته اما شناخت نقاط دچار آسیب و آسیب‌پذیر در بخش‌های مختلف، شناسایی ضرورت‌های تقنینی برای وضع قوانین لازم که موجب تسهیل مقابله با فساد گردد و ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت دستگاه‌های مسئول در مبارزه با فساد از جمله وظایفی است که ظاهراً براساس تصمیمات مورخ ۱۳۸۰/۳/۲۲ رؤسای سه قوه برای این ستاد مقرر شده است. همچنین شناسایی روابط ناسالم در مراکز تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، پولی و مالی کشور و استفاده از رانت‌های اطلاعاتی و اقتصادی، شناسایی و بررسی قراردادهای مهم و کلان از حیث رعایت تشریفات قانونی، از جمله وظایف کمیتهٔ دائمی کارشناسی این ستاد شمرده شده است (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی).

علی‌رغم قائل شدن وظایف فوق برای ستاد، از آن‌جا که تشکیل آن تحت تأثیر گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه بیش‌تر واکنشی نمادین به معضل فساد اقتصادی به شمار می‌رفت به زعم مسئولان، برآمد فعالیت‌های آن رضایت بخش نبوده است (سایت خبری تحلیلی تابناک، ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۰).

به نظر می‌رسد عوامل متعددی در مؤثر نبودن عملکرد ستاد دخیل بوده‌اند. از آن جمله می‌توان به عدم شفافیت و نامحسوس بودن عملکرد آن اشاره نمود که ناشی از ضعف



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

اطلاع‌رسانی ستاد است. حال آن‌که مطابق مصوبه سران سه قوه در جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۲۳، کمیته تبلیغات و اطلاع رسانی از جمله کمیته‌های تابعه ستاد به شمار رفته که هماهنگی در امر اطلاع‌رسانی مبارزه با جرایم اقتصادی و یا تدوین سازوکاری جهت انجام این امر برعهده آن می‌باشد (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی). با این‌وجود، اطلاع‌رسانی اندک در زمینه فعالیت‌های این ستاد موجب شد تا انتقاداتی جدی در زمینه شفافیت عملکرد و نتایج اقدامات بر آن وارد شده و سرانجام به بررسی عملکرد آن در کمیسیون اصل نود مجلس پرداخته شود (خبرگزاری فارس، ۱۱ بهمن ۱۳۹۱).

با توجه به ایرادات و انتقادات مذکور می‌توان گفت، تشکیل ستاد با فاصله اندکی پس از تأکید عالی‌ترین مقام سیاسی کشور سبب شده تا کارشناسی دقیقی در زمینه اهداف، وظایف و اختیارات این ستاد انجام نگرفته و صرفاً سیاست‌گذاران در پی پاسخ فوری برآیند. بدین‌ترتیب برگزاری نامنظم جلسات، نبود تعریف دقیق از مفاسد اقتصادی، عدم ارتباط پیوسته ستاد با کارشناسان حقوقی و اقتصادی موجب شد که در عمل بعد از گذشت بیش از ده سال، ستاد اثربخشی لازم را نداشته باشد. سرانجام بعد از کشف فساد مالی اخیر و انتقادات رهبری پیرامون عملی نشدن مبارزه با فساد اقتصادی (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۱ مهر ۱۳۹۰)، طرح تشکیل سازمان مبارزه با مفاسد اقتصادی در دوم اسفند ۱۳۹۱ در صحن علنی مجلس مطرح گردید. در این طرح، علاوه بر آن‌که راه‌اندازی و اداره پایگاه اطلاع‌رسانی برای نشر فعالیت‌های سازمان از وظایف رئیس سازمان دانسته شده، به موجب ماده ۱۶، این مقام موظف شده حداقل هر سه ماه یک‌بار رأساً یا از طریق یکی از معاونین یا سخنگوی سازمان، گزارش پرونده‌های مفاسد اقتصادی را به ملت ارائه دهد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

**۲-۱-۳- وزارت اطلاعات**

شناسایی وزارت اطلاعات به عنوان ضابط قضایی در مفاسد اقتصادی، در ابتدا صراحت قانونی نداشته و ظاهراً بر اساس بخشنامه شماره ۷۳/۱۳۱/۳ مورخ ۷۳/۱/۲۳ رئیس قوه قضاییه و بند ۶ فرمان هشت مادهای مقام معظم رهبری در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰، به این وزارتخانه صلاحیت ورود به موضوع اعطا شده است. خلأ قانونی مذکور سبب شد قانونگذار در سیر تقنینی خود به این فقدان توجه کرده[۱] و به شناسایی نهاد مزبور به عنوان ضابط دادگستری اقدام نماید.[۲]

اگرچه بهنظر میرسد از جمله دلایل عمده ورود این وزارتخانه، حساسیت و اهمیت جرایم اقتصادی باشد، اما برای امکان تأثیرگذاری علمی بیشتر لازم است همواره ملاحظات امنیتی از ملاحظات فنی و کارشناسی اقتصادی تمیز داده شود.

**۲-۲- بازتاب عوامگرایی در رسیدگیهای کیفری**

**۲-۲-۱- صالح دانستن مراجع متعدد رسیدگی**

در دوران بحران اقتصادی کشور، قانونگذار از طریق سیاستهای سختگیرانه مانند تبصره ۶ ماده ۲ قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، جرایمی را که موجب اخلال در نظام اقتصادی تلقی میشوند در صلاحیت دادگاه انقلاب دانسته است. حال آنکه

۱. بند "ب" ماده ۱۲۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱، ماده ۲۰۵ قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۰/۲۵/ ۱۳۸۹ و بند "ب" آن ، تبصره ۱ ماده ۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰/۲/۲۹ وزارت اطلاعات را در کشف مفاسد اقتصادی کلان ضابط دادگستری دانسته است.

۲. اقدام وزارت اطلاعات در کشف جرایم اقتصادی محدود به مواردی است که جرایم و مفاسد اقتصادی کلان بوده و کل کشور یا به عبارت دیگر کل نظام اقتصادی را مورد تهدید قرار میدهد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

سازمان و تشکیلات دادگاه انقلاب به عنوان دادگاهی اختصاصی تابع اصل تعدد قضات نبوده و با یک قاضی تشکیل می‌شود. چنین امری با توجه به موقعیت اجتماعی و بعضاً سیاسی بزه‌کاران اقتصادی، مناسب نبوده و با عنایت به قدرت و نفوذ مرتکبان، در مواردی حتی ممکن است احتمال شروع رسیدگی کیفری منتفی شود. همچنین از آن‌جا که اینگونه قضات به‌طور معمول با مسائل حوزه اقتصادی آشنایی ندارند، احتمال تقدم رویکرد امنیتی بر رویکرد اقتصادی دور از انتظار نیست. به همین دلیل محول نمودن رسیدگی پرونده‌های فساد اقتصادی به دادگاهی اختصاصی بیش از آن‌که اقدامی منطبق بر معیارهای علمی تلقی شود، نشان از غلبه مصلحت‌اندیشی قانون‌گذار در اتخاذ سیاست مزبور دارد. محدود شدن صلاحیت دادگاه انقلاب به موجب رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ مورخ ۷/۲۴/ ۱۳۸۶ نیز دغدغه های فوق را مرتفع نمی‌نماید.[1] قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز سرانجام پس از سال‌ها در ماده ۲۹۷، فرض تعدد قاضی دادگاه انقلاب هنگام رسیدگی به جرایم مستوجب مجازات‌های بند "الف" تا "ت" ماده ۳۰۲ همان قانون را مورد پیش‌بینی قرار داده اما ویژگی و طبع خاص رسیدگی‌های کیفری در دادگاه انقلاب همچنان به قوت خود باقی خواهد بود.

بر خلاف رویکرد سخت‌گیرانه مزبور، در جرم پول‌شویی نگاه سهل‌گیرانه قانون‌گذار

۱. رأی وحدت رویه شماره ۷۰۴ مقرر می‌دارد: «طبق بند اول ماده پنجم قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱ ، به کلیه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور و محاربه و یا افساد فی الأرض در دادگاه های انقلاب اسلامی رسیدگی می‌گردد و رسیدگی به جرائم مذکور در بندهای مختلف ماده یک قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور نیز در صورتی که طبق ماده ۲ این قانون به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به مؤثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور باشد، به لحاظ این که متضمن اقدام علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور است، با این دادگاه ها خواهد بود و در سایر موارد به علت نسخ ضمنی تبصره ۶ ماده ۲ قانون اخیرالذکر در این قسمت، دادگاه های عمومی صلاحیت رسیدگی خواهند داشت».



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

در قبال این جرم سبب شده که مطابق ماده ۱۱ قانون مبارزه با پول‌شویی، جهت رسیدگی به جرم پول‌شویی و جرایم مرتبط با آن، شعبی از دادگاه عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استان‌ها به رسیدگی به جرایم مزبور اختصاص پیدا کند. در صورتی که به نظر می‌رسد آثار گسترده این جرم و ویژگی غالباً سازمان‌یافته آن اقتضای یک رسیدگی تخصصی و بررسی همه جانبه موضوع را دارد که این مهم بدون داشتن تخصص و آموزش‌های لازم قضات حاصل نخواهد شد.

ضرورت رسیدگی دادگاه تخصصی جهت رسیدگی به جرم پول‌شویی سرانجام سبب شد رئیس قوه قضاییه در بخش‌نامه شماره ۹۰۰۰/۱۵۵۲۱/۱۰۰ مورخ ۱۵ تیر ۱۳۸۹ خطاب به رؤسای دادگستری استان‌ها، دستور دهند که با بررسی وضعیت خاص هر استان و لحاظ صلاحیت و تجارب قضات در صورت لزوم نسبت به اختصاص شعبی از دادسراها و دادگاه‌های عمومی برای رسیدگی به دعاوی بانکی، جرایم پول‌شویی و الکترونیکی اقدام و نتیجه کار را در پایان سال اعلام نمایند. در ادامه بخش‌نامه مزبور نیز بیان شده «چنانچه اجرای این بخشنامه مستلزم آموزش قضات برای تصدی شعب یاد شده باشد، مراتب مستقیماً جهت برنامه‌ریزی به معاونت آموزش قوه قضاییه اعلام تا نسبت به برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه اقدام شود».

به نظر می‌رسد علاوه بر آن‌که تشکیل دادگاهی تخصصی جهت رسیدگی به جرایم مزبور و به ویژه جرم پولشویی یک ضرورت تلقی می‌شود، وجود قضات متخصص و آشنا با این جرایم بسیار واجد اهمیت است. از این رو بخش‌نامه فوق درصورتی راه‌گشا به سوی رویکردی سنجیده تلقی می‌شود که تشکیل دادگاه‌های تخصصی و آموزش قضات برای تصدی شعب مزبور ضرورت تلقی شده و به تشخیص رؤسای دادگستری استان‌ها واگذار نشود. زیرا رسیدگی به این جرایم مستلزم وقوف علمی و مجهز شدن به داده‌های اقتصادی و حقوق کیفری است و کسب آگاهی تجربی از طریق رسیدگی عملی به



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

پرونده‌های اقتصادی شیوه مناسبی برای تسلط بر جرایم مذکور نیست (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

از بررسی فوق چنین نتیجه می‌شود که در نظام کیفری ایران، مرجع تخصصی رسیدگی به جرایم اقتصادی در قانون به طور صریح پیش‌بینی نشده است. با این حال، پس از صدور فرمان هشت ماده‌ای مقام رهبری پیرامون مبارزه با فساد اقتصادی و تأکید ایشان مبنی بر اقدام همه جانبه به وسیله قوای سه‌گانه، با تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی توسط رئیس‌جمهور در سال ۱۳۸۰، مجتمع قضایی امور اقتصادی نیز به موجب دستورالعمل مورخ ۱۳۸۵/۵/۱۰ رئیس قوه قضاییه در راستای تحقق فرامین مقام رهبری تشکیل شد. صدور این دستورالعمل هم‌زمان با مفتوح بودن پرونده آقای (ش. ج) و مطرح شدن نام بسیاری از افراد دولتی انجام شد. از این‌رو صلاحیت مجتمع، رسیدگی به جرایم اقتصادی کلان با حدنصاب ۱۰ میلیارد ریال یا بیش‌تر توسط کارکنان دولت یا به کمک آنان از اموال عمومی یا دولتی است. سرانجام نیز با فرجام خواهی نامبرده از رأی صادر شده در دیوان عالی کشور، پرونده جهت رسیدگی به شعبه هم عرض با ابلاغ ویژه رئیس قوه قضاییه به مجتمع قضایی امور اقتصادی ارجاع گردید. بدین‌ترتیب اولین جلسه رسیدگی به پرونده مزبور در شعبه دادگاه عمومی مستقر در مجتمع در حالی صورت گرفت که تنها حدود ۵ ماه از صدور دستورالعمل رئیس قوه قضاییه گذشته بود (خبرگزاری فارس، ۱۲ اسفند ۱۳۸۵).

آن‌گونه که از مقرره مزبور برمی‌آید، پاسخ‌گویی به مطالبات افکارعمومی در برخورد با مرتکبان فساد اقتصادی و شرایط ویژه حاکم بر جامعه رابطه معناداری با صدور دستور تشکیل مجتمع مذکور داشته است. تأمین فوری خواسته‌های عموم مردم در این خصوص اگر چه یک امتیاز می باشد ولی چنانچه این مجتمع از تجهیزات فنی و پرسنلی به‌خصوص از حیث قضات واجد شرایط برای رسیدگی به جرایم اقتصادی برخوردار نباشد، امتیاز تعجیل به ایراد تبدیل می شود.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

**۲-۲-۲- تشهیر مجرمان اقتصادی**

در حقوق کیفری اصل بر آن است که مجرم به محض اتمام محکومیت خود به اعاده حیثیت نائل می‌شود. زیرا جامعه در پی آن نیست که محکوم را برای همیشه از خود دور و از حقوق اجتماعی و فردی محروم سازد. طرح یک فوریت اصلاح ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ که دربرگیرنده قاعده تشهیر مجرمان اقتصادی است، زمانی مطرح شد که ماجرای فساد اقتصادی آقای (ش. ج.) به شدت مورد توجه رسانه‌ها و مردم قرار گرفته بود؛ چندان‌که اقناع افکار عمومی، جلب توجه آن‌ها و اعتماد مجدد مردم جامعه به دستگاه قانون‌گذاری و به‌ویژه نظام قضایی از عوامل اصلی پیشنهاد چنین طرحی محسوب می‌شوند (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴، جلسه ۱۸۵).

حساسیت نسبت به نحوه عملکرد دستگاه قضا سبب شده بود تا طراحان طرح در جهت اعمال محدودیت‌ها و فشارهای بیش‌تر بر قوه قضاییه، تدابیر سخت‌گیرانه‌ای جهت انتشار احکام جرایم اقتصادی پیش‌بینی نمایند. ازجمله این موارد، پیش‌بینی اعلام حکم به طور کلی و حتی قبل از قطعیت با در نظر گرفتن منافع عموم و عدم پیش‌بینی معیار کمی در این زمینه بود (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، جلسه ۲۲۹).

لازم به ذکر است، در کشورهایی که افشای احکام محکومیت مجرمان اقتصادی در آن‌ها پذیرفته شده است، مربوط به پرونده‌هایی با ارقام کلان است (هژبرالساداتی، ۱۳۸۹: ۱۲۴)، اما با توجه به این‌که مبلغ مندرج در تبصره۳ الحاقی به ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، صد میلیون ریال یا بیش‌تر می‌باشد، به نظر می‌رسد باید شاهد اعلام‌های مکرر احکام محکومیت و اسامی مجرمان باشیم. با این وجود، رویه عملی نشانگر آن است که در بسیاری از موارد قوه قضاییه از سازوکار پیش‌بینی شده



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

دراین قانون تبعیت نکرده و در عمل در اغلب پرونده‌ها، تبصره ۳ الحاقی به ماده ۱۸۸ اجرا نشده و یا به طور ناقص اجرا شده است (خراسان نیوز، ۲۱ آذر ۱۳۸۷).

در راستای سیاست افشای هویت محکومان اقتصادی، مجتمع قضایی امور اقتصادی نیز با راه‌اندازی سایت اینترنتی قسط نسبت به اعلام اخبار و اطلاعات راجع به پرونده‌های اقتصادی اقدام نموده است. با این حال باید توجه داشت آن‌چه سبب رفع تکلیف مقام قضایی در اجرای تبصره مزبور خواهد بود، انتشار مندرجات حکم در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار و در صورت لزوم یکی از روزنامه‌های محلی و در اختیار رسانه‌ها قرار دادن حکم است.

به‌هر ترتیب، با عنایت به این‌که مطابق تبصره ماده ۱۰ "دستورالعمل تشکیل مجتمع قضایی امور اقتصادی" تنها جرایم اقتصادی کلان با حد نصاب ۱۰ میلیارد ریال یا بیش‌تر که توسط کارکنان دولت یا به کمک آنان از اموال عمومی یا دولتی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد قابل رسیدگی در مجتمع مزبور می‌باشد، صلاحیت مجتمع محدودتر از تبصره ۳ ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد[۱]. بنابراین در عمل احکام جرایمی که ارزش عواید حاصل از جرم بیش از ۱۰۰ میلیون ریال و کم‌تر از ۱۰ میلیارد ریال است، در صلاحیت مجتمع قضایی امور اقتصادی نبوده و منتشر نمی‌شوند. از این‌رو مشاهده می‌شود، سیاست‌گذاری کیفری با هدف پاسخ‌گویی به افکار عمومی سبب گشته، افشای هویت مجرمان اقتصادی بدون ملاحظه تمامی ابعاد و جوانب

۱. قانون‌گذار در تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، با توجه به محدودیت‌های اجرایی، نسبت به مبلغ نسبتاً اندک صد میلیون ریال تجدیدنظر نموده و مبلغ یک میلیارد ریال و بیش از آن را ملاک انتشار حکم قرار داده است. همچنین افزایش معیار کمی سبب شده تا در کنار انتشار حکم محکومیت در روزنامه کثیرالانتشار، انتشار آن در رسانه ملی نیز مورد پیش‌بینی قرار گیرد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

موردنظر قرار گیرد و در عمل در موارد محدودی بدان عمل شود. به‌گونه‌ای که در مصاحبه صورت گرفته با مدیرعامل چند روزنامه کثیرالانتشار آن‌ها مدعی شده‌اند که علی‌رغم گذشت چند سال از تصویب قاعده تشهیر مجرمان اقتصادی و استقبال آن‌ها از انتشار احکام محکومیت، احکام مزبور توسط دستگاه قضایی در اختیار آن‌ها قرار داده نشده است (روزنامه رسالت، ۱۳۸۷: ۶).

گفتنی است حتی در پرونده‌های واجد اهمیت که افکار عمومی و رسانه‌ها به آن توجه ویژه دارند، مطابق مقرره مزبور تنها خلاصه متن حکم شامل مشخصات فرد، سمت یا عنوان، جرایم ارتکابی و نوع و میزان مجازات محکوم‌علیه در اختیار رسانه‌ها قرار می‌گیرد. حال آن‌که شایسته بود استدلال دادگاه و مستندات آن در صدور حکم و تعیین مجازات در این ماده مورد اشاره قرار می‌گرفت تا از این طریق میزان تأثیر بازتاب رسانه‌ای جرم و حاکمیت رویکردهای عوام‌گرا بر صدور احکام و یا عدم تأثیر آن بر کیفیت آراء صادره مورد بررسی قرار گیرند. رسیدگی به برخی پرونده‌های فساد اقتصادی در دادگاه انقلاب نیز که با توجه به طبع خاص رسیدگی آن مرجع، دسترسی به جزئیات پرونده و آراء صادره را با دشواری بیش‌تری مواجه می‌سازد، امکان انجام بررسی‌های کارشناسانه و علمی را تا اندازه زیادی سلب می‌نماید.

**۲-۲-۳- تحدید موازین دادرسی عادلانه**

عوام‌گرایی کیفری تلاش می‌کند تا بسیاری از حقوق ویژه‌ای را که عدالت کیفری به زیان شهروندان قانون‌مدار جامعه به مجرمان اعطاء نموده بود کاهش و یا حذف کند و در این راه به دیدگاه اکثریت مردم که ملایمت‌های دستگاه عدالت کیفری با مجرمان را بی‌عدالتی می‌دانند استناد می‌کند (جونز، ۲۰۰۷).



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

علنی شدن پرونده‌های فساد اقتصادی و توجه افکار عمومی به موضوع سبب گرایش سیاست‌گذاران عوام‌گرا به راه‌کارهایی می‌شود که برخورد سریع و قاطع با مجرمان را به جامعه نوید می‌دهد. حال آن‌که برداشت افکار عمومی از جرم و مجازات غالباً متأثر از اطلاعات ناکافی و گاه نادرست ارائه شده به مردم است.

**۲-۲-۳-۱- سرعت در رسیدگی**

هرچند پرهیز از اطاله دادرسی از حقوق اصلی متهم به شمار می‌رود اما در نقطه مقابل، اجتناب از شتاب‌زدگی تحت تأثیر افکارعمومی نیز از حقوق بنیادین متهم است. با این وجود در سیاست جنایی ایران، در پاره‌ای موارد دادگاه‌ها به سوی تسریع در روند رسیدگی هدایت شده‌اند تا بدین وسیله عزم جدی مسئولان سیاست جنایی در مقابله با جرایم اثبات و از ارزش نقض شده حمایتی نمادین صورت گیرد. چنین راه‌کاری در غالب موارد به نادیده انگاشتن و یا تضییع حقوق متهمان می‌انجامد. به‌عبارت دیگر، تسریع بیش از اندازه در فرآیند کیفری موجب کاهش دقت در رسیدگی، افزایش توجه به نتیجه‌گرایی و تحدید موازین دادرسی عادلانه خواهد شد که مسلماً در درازمدت ناکارآمدی نظام کیفری و بازنمایی منفی از عملکرد آن را به دنبال خواهد داشت (نیازپور، ۱۳۸۹).

از مصادیق بارز تمایل سیاست جنایی تقنینی ایران به شتاب بخشیدن رسیدگی به جرایم اقتصادی، تبصره ۴ الحاقی به ماده ۱۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌باشد. مطابق این تبصره، مرجع تجدیدنظر موظف است حداکثر ظرف مدت ۶ ماه به پرونده‌های موضوع این ماده رسیدگی و حکم صادر نماید و در صورت تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی‌کننده به مجازات انتظامی از درجه ۴ به بالا محکوم می‌شوند. بررسی گفتمان نمایندگان مجلس هنگام طرح این موضوع نشانگر آن است که پیش‌بینی چنین مهلتی جهت رسیدگی مرجع تجدیدنظر، جلوه‌ای دیگر از



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

حساسیت قانون‌گذار نسبت به محاکم رسیدگی‌کننده است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، جلسه ۲۲۹). درواقع از آن‌جاکه نحوه رسیدگی به پرونده‌های فساد اقتصادی از منظر قانون‌گذار از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده، با پیش‌بینی مهلت رسیدگی و مجازات انتظامی سعی شده دادگاه‌های تجدیدنظر برای رسیدگی سریع و در موعد معین تحت فشار قرار گیرند تا از این طریق سیاست‌گذاران در اسرع وقت پاسخ‌گوی افکارعمومی باشند.

جلوه‌ای دیگر از گرایش قانون‌گذار به سرعت‌بخشی دادرسی جرایم اقتصادی، مقرر نمودن رسیدگی فوری و خارج از نوبت در پرونده‌های جرایم اقتصادی است. چنانکه تبصره ۶ ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی، دادسراها و دادگاه‌های انقلاب را مکلف نموده رسیدگی به کلیه جرایم مذکور در این قانون را فوری و خارج از نوبت انجام دهند.

نمونه بارز تسریع فرآیند دادرسی، رسیدگی به پرونده اختلاس ۱۲۳ میلیاردی از بانک صادرات است. در پرونده مزبور علی‌رغم صدور حکم سنگین اعدام، از زمان رسیدگی به پرونده در دادگاه انقلاب تا اجرای حکم اعدام متهم ردیف اول پرونده (ف. خ.) در اول آذر ماه ۱۳۷۴، حدود پنج ماه به طول انجامید (سایت خبری تحلیلی فرارو، ۱۱ مهر ۱۳۹۰). هرچند ممکن است گمان شود طولانی شدن رسیدگی، فرصتی برای اقدامات نفوذگرایانه متهمان فساد اقتصادی فراهم خواهد نمود و بنابراین باید چنین امکانی از آن‌ها سلب شود؛ با این وجود تسریع دادرسی بدون بررسی تمام ابعاد و جوانب موضوع به ویژه در فضای امنیتی، موجب نقض حقوق متهم و همچنین فرصت بروز شایعات خواهد شد (امیدی، ۱۳۸۸). چنانچه علیرغم گذشت نزدیک به ۱۷ سال از اعدام آقای (ف. خ.) در پرونده اختلاس بانک صادرات، هنوز گمانه‌زنی‌هایی پیرامون اتهام منتسب به وی وجود داشته و مسئولان دستگاه قضا را بار دیگر در معرض پرسش رسانه‌ها و افکارعمومی قرار داده است (خبرگزاری ایسنا، ۸ آبان ۱۳۹۱).



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

**۲-۲-۳-۲- مخدوش کردن استقلال قضات**

استقلال قضایی بدین معنی است که دادرس در صدور رأی، قانون را ملاک قرار داده و هیچ مقامی اعم از نمایندگان مجلس، رئیس جمهور و حتی رئیس قوه قضاییه یا سایر مراجع قضایی حق اعمال محدودیت و فشار مستقیم یا غیرمستقیم بر دادرسی و صدور حکم نداشته باشند. همچنین استقلال قاضی ایجاب می‌کند، تحت تأثیر افکار عمومی قرار نگرفته و در برابر آن تا زمانی‌که بر مبنای معیاری قانونی شکل نگرفته است مستقل عمل نماید (آخوندی، ۱۳۷۹). با این‌حال، در برخی موارد میزان توجه و حساسیت مردم نسبت به واکنش‌های عدالت کیفری سبب می‌شود تحت تأثیر رویکردهای عوام‌گرا، با توجیه اقناع هرچه سریع‌تر افکار عمومی، اصل استقلال قضایی مخدوش گردد. حال آن‌که هرچند رسیدگی به یک پرونده ممکن است سبب برانگیختن مباحثات عمومی و رسانه‌ای شود اما دادرسی عادلانه اقتضای آن را دارد که قاضی بدون در نظر گرفتن فضای احساسی و نگران حاکم بر جامعه و فارغ از هرگونه نفوذ و فشار مسئولین قضایی و غیرقضایی، اقدام به صدور حکم نماید.

از نمونه‌های بارز چنین امری تقاضا و توصیه‌های چند تن از نمایندگان مجلس از قاضی پرونده فساد سه‌هزار میلیاردی مبنی بر تعیین مجازات متناسب با هزینه‌های وارد شده بر اقتصاد و نظام سیاسی کشور و قاطعیت در برابر مفسدان است (پایگاه خبری جهان نیوز، ۲۵ بهمن ۱۳۹۰). چنان‌که ریاست قوه قضاییه نیز پس از گذشت یک ماه از رسانه‌ای شدن کشف جرم مزبور، در ۲۴ شهریور ۱۳۹۰ طی ابلاغیه‌ای به دلیل اهمیت موضوع، دادستان کل کشور را به عنوان مسئول نظارت بر رسیدگی به پرونده در کلیه مراحل رسیدگی تا حصول نتیجه نهایی تعیین نمودند (خبرگزاری ایسنا، ۲۴ شهریور ۱۳۹۰). گذشته از آن‌که تعیین چنین شرایط ویژه‌ای جهت رسیدگی به پرونده به دلیل حساسیت ایجاد شده در جامعه پیرامون موضوع مقرر گشته، در خصوص حدود اختیارات و وظایف



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

درنظر گرفته شده برای مقام ناظر هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی صورت نگرفته است. درصورتی‌که عهده‌دار شدن مقام نظارت توسط دادستان کل کشور ممکن است سبب شود تا در رسیدگی به‌ویژه صدور حکم، پیش از هر چیز احقاق حقوق جامعه مدنظر قرار گیرد.

**بحث**

رسانه‌ای شدن جرایم اقتصادی، سیاسی شدن واکنش‌ها در این جرایم و ساختار اقتصاد دولتی در ایران سبب شده تا شائبه عوام‌گرایی به حوزه سیاست کیفری جرایم اقتصادی نیز نفوذ پیدا کند. هرچند سیاست‌گذاران عوام‌گرا در توجیه سیاست‌های خود غالباً خواست مردم را مورد استناد قرار می‌دهند اما حقیقت آن است که افکار عمومی آگاه مخالف سیاست‌هایی است که منافع اجتماعی محدودی دارند. پاسخ‌گویی به افکار عمومی ناآگاه هنگام وقوع رویدادهای فساد اقتصادی سبب می‌شود در بسیاری موارد تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای، افکار عمومی به شیوه‌های کیفری به‌کار بسته شده توسط سیاست‌گذاران هدایت شده و آن‌ها را مؤثر بدانند.

پس از گذشت چندین سال از طرح موضوع مفاسد اقتصادی در کشور ما و شعارهای فراوان پیرامون مبارزه با این دسته از جرایم، سیاست‌گذاران تقنینی استفاده از ابزار کیفر به‌ویژه در شرایط بحرانی را آسان‌ترین راه رسیدن به نظم اقتصادی دانسته‌اند. از این‌رو جرم‌انگاری و تعیین عناوین مجرمانه با توجه به وقایع و رویدادهای پیش‌آمده در جامعه، از جمله نشانه های پاسخ‌های عوام‌گرایانه در این حوزه است. در قلمرو حقوق جزای ماهوی، ضمانت‌اجراهای کیفری دچار تشتت و بی‌نظمی بوده و تناسب جرم با ماهیت مجازات مورد لحاظ قرار نمی گیرد. در حالی که نسبت به برخی جرایم اقتصادی در رویکردی امنیت‌گرا مجازاتی همچون اعدام درنظر گرفته شده، در برخی موارد دیگر مانند پول‌شویی به علت عدم توجه افکار عمومی به ماهیت جرم و آثار آن، کیفرهای قانونی بیش از حد ضعیف و غیرمتناسب تعیین شده‌اند.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

در حوزه سیاست کیفری شکلی، تأکید نمادین بر مبارزه با جرایم اقتصادی سبب شده تا علاوه بر صلاحیت نهادهای امنیتی در تحقیقات مقدماتی، هنگام وقوع رویدادهای مجرمانه ایجاد ساختارهای پلیسی و سازمانی مدنظر سیاست‌گذاران قرار گیرد. علاوه بر این در رسیدگی به جرایم مشتمل بر فساد اقتصادی گذشته از قائل شدن به اصول سخت‌گیرانه‌ای همچون تشهیر مجرمان اقتصادی و نقض برخی اصول دادرسی عادلانه همچون رسیدگی در مهلت معقول و فارغ از فشار افکار عمومی، تحت تأثیر عوام‌گرایی کیفری سیاست‌گذاران قائل به صلاحیت مراجع مختلف در رسیدگی به جرایم اقتصادی گشته‌اند. بدین‌ترتیب روزمرگی و فقدان تخصص‌گرایی در مراجع رسیدگی، دادرسی و صدور حکم در این جرایم را با انتقادات جدی مواجه ساخته است.

به نظر می‌رسد راه‌کارهای زیر بتواند در راستای یک مبارزه مؤثر و کارآمد راهگشا واقع شود:

– تداوم ارتکاب مفاسد اقتصادی در کشور ما نشانگر آن است که سیاست‌های کیفری کوتاه مدت و مقطعی در قبال این جرایم کارآیی لازم نداشته و ضروری است سیاست‌های اتخاذ و اجرا شده در جرایم مزبور ارزیابی علمی شوند تا دستیابی و یا عدم دستیابی به اهداف به روشنی تبیین گردند. از این‌رو پیش‌بینی راه‌کارهایی برای ارزیابی سیاست کیفری از ضروریات مبارزه مؤثر در این زمینه است.

– کاهش نقش تصدی‌گری دولت و افزایش سطح رفاه اجتماعی سبب اعتماد بیش‌تر شهروندان به سیاست‌گذاران در کنترل فساد اقتصادی و در عین حال سلب امکان سوء استفاده عوام‌گرایان خواهد شد. از این‌رو تلاش در جهت ارتقای وضعیت معیشت مردم و پیش‌بینی سیاست‌های اقتصادی سنجیده از موانع اصلی نفوذ عوام‌گرایی کیفری به حوزه کنترل فساد اقتصادی خواهد بود.

– اطلاع‌رسانی و پاسخ‌گویی در زمینه مفاسد اقتصادی به‌ویژه چرایی وقوع آن‌ها ضمن



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

سلب امکان گمانه‌زنی رسانه‌ها و بدبینی مردم سبب می‌شود افراد جامعه درک جامع‌تری نسبت به زوایای مختل فساد اقتصادی و علل اصلی ارتکاب آن کسب نموده و در نتیجه دیدگاه واقع‌گرایانه‌تری در زمینه رویارویی با این پدیده داشته باشند؛ راه‌کاری که در ممانعت از اتخاذ روش‌های زودبازده و مقطعی بسیار مؤثر بوده و سبب حمایت بیش‌تر مردم از پاسخ‌هایی با اثربخشی بیش‌تر خواهد شد.

– هماهنگ عمل کردن سیاست‌گذاران تقنینی، اجرایی و قضایی در به‌کار بستن شیوه‌های مؤثر و علمی مبارزه با فساد اقتصادی مانعی مهم بر سر راه عوام‌گرایی خواهد بود. عدم انسجام و هماهنگی لازم میان نهادهای متولی این مهم سبب می‌شود حتی در صورت پیش‌بینی تدابیر سنجیده و مؤثر، فقدان اثربخشی و کارآیی اقدامات گریزناپذیر باشد.

– به نظر می‌رسد اگرچه به‌کار بستن نظریات کارشناسان و متخصصان مستلزم اختصاص منابع و هزینه‌های بیش‌تر در سیاست‌گذاری پیرامون کنترل فساد اقتصادی است اما برآورد این روش‌ها سبب اعتماد بیش‌تر افکار عمومی به سیاست‌گذاران و دولت‌مردان و حمایت آن‌ها از پاسخ‌هایی با اثربخشی بیش‌تر خواهد شد.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

## منابع و مآخذ References


-آخوندی، م. (۱۳۷۹). آیین دادرسی کیفری. جلد چهارم، قم: نشر اشراق.

-امیدی، ج. (۱۳۸۸). ارزیابی انتقادی طرح تشدید مجازات جرایم اخلال در امنیت روانی جامعه. در: ***تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها)***. زیرنظر ع. نجفی‌ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.

-*امین جامعه* (۱۳۹۱). ضمیمه شماره ۲۳۷. ۱۶ دی.

-بیابانی، غ و عصار، ت. (۱۳۸۸). پول‌شویی خطری برای امنیت اقتصادی و اجتماعی. ***ماهنامه سیاسی-اقتصادی***، شمارهٔ ۲۶۲: ۲۲۳-۲۴۳.

-پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۷۹، ۲۶ فروردین). بازیابی‌شده ۱۷ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در:
http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3002

-پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۹۰، ۱۱ مهر). بازیابی‌شده ۱۷ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در:
http://www.farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17454

-پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله هاشمی شاهرودی (۱۳۹۱، ۱۶ اسفند). بازیابی‌شده ۱۶ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در:
http://www.hashemishahroudi.org./fa/10yr/dvd1/4we1/files/data/Egt/E1-03.pdf

-***پایگاه خبری ایران اکونومیست*** (۱۳۹۱، ۱۸ بهمن). بازیابی‌شده ۲ فروردین، ۱۳۹۲، قابل دسترس در:
http://mail.iraneconomist.com/fa/news/15413

-پرت، ج. (۱۳۹۲). ***عوام‌گرایی کیفری***. ترجمه هانیه هژبرالساداتی، تهران: نشر میزان.

-پرتال جامع دادستانی کل کشور (۱۳۸۹، ۳۱ خرداد). بازیابی‌شده ۱۶ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در:
http://www.dadsetani.dadiran.ir/Default.aspx?tabid=&articleType=Artic &articleId=59540 leView

-پیکا، ژ. (۱۳۹۳). ***جرم‌شناسی***. ترجمه علی حسین نجفی‌ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.

-تاگارت، پ. (۱۳۸۱)، ***پوپولیسم***. ترجمه حسن مرتضوی. تهران: نشر آشیان.

-جهان نیوز (۱۳۹۰، ۲۵ بهمن). بازیابی‌شده ۶ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در:
http://www.jahannews.com/vdcdnjoxzyt0z56.2a2y.html=20879




[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

## منابع و مآخذ References


-حسینی، ح. (۱۳۸۸). ***درآمدی بر مدیریت پیش‌گیری از جرایم اقتصادی. در: مجموعه مقالات همایش ملی علمی-کاربردی پیش‌گیری از وقوع جرم***، تهران: نشر میزان.

-خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۰، ۲۴ شهریور). بازیابی‌شده ۲۵ فروردین، ۱۳۹۲، قابل دسترس در: http://www.isna.ir/fa/news/9006-16088

-خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۱، ۱۰ اسفند). بازیابی‌شده ۲ مرداد، ۱۳۹۳، قابل دسترس در: http://www.isna.ir/fa/news/900616088

-خبرگزاری ایسنا (۱۳۹۱، ۲ اسفند). بازیابی‌شده ۲۵ فروردین، ۱۳۹۲، قابل دسترس در: http://www.isna.ir/fa/news/91120201045

-خبرگزاری ایسنا. (۱۳۹۱، ۸ آبان). بازیابی‌شده ۲ فروردین، ۱۳۹۲، قابل دسترس در: http://www. isna.ir/fa/news/91080804866

-خبرگزاری فارس (۱۳۸۵، ۱۲اسفند). بازیابی‌شده ۶ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در: http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=8510120219

-خبرگزاری فارس (۱۳۹۱، ۱۱ بهمن). بازیابی‌شده ۲۵ فروردین، ۱۳۹۲، قابل دسترس در: http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=1391129001185

-خدائیان چگنی، ذ. (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی. ***مجله مطالعات حقوقی***، ۴ (۲): ۳۱-۵۹.

-دادخدایی، ل. (۱۳۹۰). ***فساد مالی- اداری و سیاست‌جنایی مقابله با آن با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد***. تهران: نشر میزان.

-رابرتز، ج.، استالانز، ل.، ایندرمار، د. و هاف، م. (۱۳۹۲). ***عوام‌گرایی کیفری و افکار عمومی***: درس‌هایی از پنج کشور. ترجمه زینب باقری‌نژاد، سودابه رضوانی، مهدی کاظمی جویباری و هانیه هژبرالساداتی، تهران: نشر میزان.

-رهبر، ف. و میرزاوند، ف. (۱۳۸۷). ***پول‌شویی و روش‌های مقابله با آن***. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.

-روزنامه رسالت (۱۳۸۷). شماره ۶۴۶۹، ۱۵ تیر.

-سایت خبری تحلیلی تابناک (۱۳۹۰، ۱۰ اردیبهشت). بازیابی شده ۶ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در: http://www.tabnak.ir/fa/news/161895




[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

## منابع و مآخذ References


-سایت خبری تحلیلی فرارو (۱۳۹۰، ۱۱ مهر). بازیابی‌شده ۶ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در: http://www. fararu.com/fa/news/ 90882

-سایت خراسان نیوز (۱۳۸۷، ۲۱ آذر). بازیابی‌شده ۶ اسفند، ۱۳۹۱، قابل دسترس در: http://www.khorasannews.com/News.aspx?type &year=1390&month=9&day=5&id=1231986

-طاهری، س. (۱۳۹۲). سیاست کیفری سخت‌گیرانه. تهران: نشر میزان.

-فرجیها، م. و مقدسی، م. (۱۳۹۲). پاسخ‌های کیفری عوام‌گرایانه به مفاسد اقتصادی. دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، تهران: نشر میزان.

-مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲). گزارش کارشناسی درباره لایحه مبارزه با پول‌شویی، نظرات و انتقادات سازمان‌ها و کارشناسان. دفتر بررسی‌های اقتصادی، شمارهٔ ۶۷۷۷.

-مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹). مشروح مذاکرات. دوره سوم، جلسه ۲۵۷ و ۲۵۸.

-مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۲). مشروح مذاکرات. دوره ششم، جلسه ۳۴۶ و۳۴۷.

-مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۴). مشروح مذاکرات. دوره هفتم، جلسه ۱۸۵.

-مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵). مشروح مذاکرات. دوره هفتم، جلسه ۲۲۹.

-مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۷). مشروح مذاکرات. دوره هفتم، جلسه ۴۲۷.

-مقدسی، م. (۱۳۹۰). ***عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری ایران***. پایان‌نامه منتشرنشده دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

-مک‌لین، الف. (۱۳۸۷). ***فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد***. ترجمه حمید احمدی، تهران: نشر میزان.

-مهدوی‌پور، الف. (۱۳۹۰). ***سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی***. تهران: نشر میزان.




[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

## منابع و مآخذ References


-نجفی ابرندآبادی، ع. (۱۳۸۹). ***مباحثی در علوم جنایی***. تقریرات سیاست جنایی (سیاست کیفری عمل‌گرا-عوام‌گرا)، دوره دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

-نجفی‌ابرندآبادی، ع. (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست کیفری عوام‌گرا (دیباچه ویراست سوم). در: لازرژ، ک. (ویراستار). ***درآمدی بر سیاست جنایی***. ترجمه ع. نجفی‌ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.

-نوروزی خیابانی، م. (۱۳۸۰). ***فرهنگ لغات و اصطلاحات سیاسی***. ویراست دوم، تهران: نشر نی.

-نیازپور، الف. (۱۳۸۹). سرعت‌بخشی به فرآیند کیفری: سازوکاری برای پیش‌گیری از بزهکاری. مجله پژوهش حقوق و سیاست، ۲۸ (۱۲): ۳۶۴-۳۷۸.

-هژبرالساداتی، ه. (۱۳۸۹). ***عوام‌گرایی کیفری و جلوه‌های آن در سیاست کیفری تطبیقی و ایران***. پایان‌نامه منتشرنشده کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد.

-همدمی‌خطبه‌سرا، الف. (۱۳۸۷). ف***ساد مالی: علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن***. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

-وایت، ر؛ هینز، ف. (۱۳۸۳). ***جرم و جرم‌شناسی***. ترجمه علی سمیعی، ویراست دوم، قم: موسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.

-Bottoms, A. E. (1995). The philosophy and politics of punishment and sentencing. In: Clarkson, C. and Morgan, R. (Eds.). ***The politics of sentencing reform***. Oxford: Clarendon Press.

-Campbell, L. (2008). Criminal justice and penal populism in Ireland. ***Legal studies***. Vol. 28(4): 559-579

-Hamai, K. and Eliss, T. (2008). Genbatsuka: Growing penal populism and the changing role of public prosecutors in Japan. ***Japanese Journal of sociological criminology***, 33:67-91

-Jones, R. (2010). Populist leniency, crime control and due process. ***Theoretical Criminology***, 14(3): 331-347.

-Pfeiffer, C., Windzio, M. and Kleimann, M. (2005). Media use and its impacts on crime perception, sentencing attitudes and crime policy. ***European Journal of Criminology***, 2(3): 259-285.




[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]

## References منابع و مآخذ

-Pratt, J. (2007). Penal populism. London: Routledge.

-Roberts, J. V., Stalans, L. J., Indermaur, D. and Hough, M. (2003). ***Penal populism and public opinion: Lessons from five countries***. Oxford: Oxford University Press.

-Rosenberger, J. S. and Callanan, V. J. (2011). The influence of media on penal attitudes. ***Criminal Justice Review***, 36(4): 435-455.



[ Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-05 ]